

تأملی بر یک حکایت طنزآمیز از گلستان سعدی

ناصر فرنی

استادیار و عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان پردیس شهیدرجایی ارومیه، ارومیه، ایران

چکیده

طنز در لغت به معنی طعنه و سخریه است و در اصطلاح نوعی تنبیه اجتماعی است که هدف از آن اصلاح و تزکیه است نه ذم و قدح و مردم آزاری، طنز از جنبه‌های مختلف تقسیمات گوناگونی را می‌پذیرد از جمله: طنز فردی، اجتماعی، فلسفی، سیاسی و ... طنز در قرون ششم، هفتم و هشتم هجری در تاریخ ادبیات ایران رواج بیشتری پیدا کرد که از جمله طنزنویسان مشهور قرن هفتم، شیخ ابوعبدالله مشرف الدین بن مصلح سعدی شیرازی است که با سبک ویژه و ممتاز خود طنزهای بی نظیری را در آثار خود آورده است که از جمله‌ی آنها حکایت ۱۶ از باب اول گلستان با عنوان «گرفتن شتر به بیگاری و فرار روباه» است که سعدی به خوبی از آن، برای بیان انتقاد از حکام عصر خود بهره برده است. هر چند قبل و بعد سعدی نیز شعری چون انوری و مولوی نیز این حکایت را با اندکی تغییر در کاراکترها ونحوه مکالمات ذکر کرده اند؛ اما لحن طنز سعدی پخته‌تر و مؤدبانه‌تر است آنان در حکایت خود از نمادهایی چون شتر و خربرای نشان دادن مردم مظلوم و بی دفاع که اکثر از جانب حکام و زورگویی برای مقاصد شخصی به بیگاری گرفته می‌شوند استفاده کرده‌اند. در هر صورت زبان طنز در همه‌ی اعصار و دوره‌ها از بهترین شیوه‌های رایج برای بیان و بازتاب مشکلات و معضلات اقتصادی، دینی، سیاسی و به ویژه اجتماعی و همچنین انتقادهای سازنده از مسئولین بوده و می‌باشد و مختص به عصر و دوره ای خاص نمی‌باشد.

واژه‌های کلیدی: طنز، سعدی، حکایت، گلستان.

۱- مقدمه

طنز، نوعی تنبیه اجتماعی است که اهداف آن اصلاح و تزکیه است نه ذم و قدح و مردم آزاری، آری، زبان طنز بهترین وسیله برای انعکاس مشکلات یک جامعه است، آن هم به زبانی توأم با خنده ای هنرمندانه که تلنگری زیرکانه را به مخاطبان زده و آن‌ها را از خواب غفلت بیدار می‌کند.

آثار منتقدانه، به خصوص سروده‌های انتقادی، در همه‌ی دوره‌ها رواج داشته و دیده می‌شود ولی بیشترین دوره رواج آن در پهنه‌ی ادبیات فارسی متقارن با دوره‌های آشفته‌ی تاریخ ایران، یعنی قرن ششم، هفتم و هشتم هجری شمسی است. بوستان و گلستان سعدی، جام جم اوحدی مراغی؛ غزلیات حافظ و به ویژه آثار انتقادی عبید زاکانی از درخشان‌ترین نمونه‌های طنز و انتقاد تلخ اجتماعی فارسی به شمار می‌روند. اما از جمله شعرایی که با هنرمندی و زیرکی استادانه و به یاری زبانی شیوا و فصیح همانند آینه‌ی تمام نما و به دور از هر غرض ورزی و طمع ورزی به بیان و بازتاب مشکلات و ناملایمات جامعه خود می‌پردازد، سعدی است.

از جمله امتیازات طنزهای سعدی بر دیگران زبان گویا و عقیف و جملات بی تکلف و دلنشین است. تا آنجا که بزرگترین انتقادها را از حاکمان عصر خود آن چنان هنرمندانه بیان می‌کند که با هیچگونه اعتراض و تندی از جانب آنان مواجه نمی‌شود.

در تحقیق حاضر به ذکر و تحلیل یکی از حکایات طنز آمیز سعدی ر گلستان پرداخته ایم که در نوع خود یکی از کوبنده‌ترین طنزهای اجتماعی است که باید آن را «تلخند» به حساب آورد نه خنده.

۲- ادبیات تحقیق

تحقیق شامل ذکر تعاریف طنز و بیان اشکال آن و همچنین شیوه‌های ایجاد طنز و ذکر یکی حکایت طنز آمیز از گلستان سعدی و تجزیه و تحلیل آن.

۲-۱- احوال سعدی

شیخ ابو عبدالله مشرف الدین بن مصلح سعدی شیرازی (۶۹۱-۵۸۵ هـ ش) از شعرا و نویسندگان بزرگ و برجسته و طراز اول ایران در قرن هفتم هجری می‌باشد و از معدود کسانی است که در نظامیه بغداد به تحصیل پرداخته و علوم رایج زمان خود را فرا گرفته است و از محضر دو استاد بزرگ آن زمان، بهره گرفته. نخست جمال الدین عبدالرحمن ابوالفرج بن جوزی دوم (وفات ۶۳۶) مدرس مدرسه مستضریه بغداد که به وعظ و تذکیر مشهور بوده و دوم، عارف مشهور، شیخ شهاب الدین ابوحفص عمر بن محمد سهروردی (وفات ۶۳۲) که سعدی از وی به نام «شیخ دانای مرشد» یاد کرده است. دکتر خطیب رهبر در این باره می‌گوید: «آموزش و رهبری این استاد چنان در وی اثر بخشید که سعدی پس از سالیان در علوم دینی مانند فقه و حدیث و تفسیر و کلام، گوی سبقت از همسالان بر بود. ... و در فن خطابه و وعظ مهارت یافت و به مشرب عرفان بی پرویی از طریقه ای خاص گرایید.» (خطیب رهبر، ۱۳۷۳: ۲) وی لقب خود را از اتابک مظفرالدین ابوبکر بن سعد بن زنگی (وفات ۶۵۸) پادشاه سلغری گرفت. از سعدی آثار ارزشمندی چون بوستان، گلستان، قصاید فارسی و عربی و ... بر جای مانده است که همگی در کتابی به نام «کلیات سعدی» به اهتمام شادروان محمد علی فروغی گردآوری شده است.

۲-۲- گلستان سعدی

از جمله مهمترین آثار سعدی کتاب «گلستان» است که در سال ۶۵۶ هجری یک سال بعد از بوستان نوشته شد. گلستان شامل هشت باب است با عناوین: در سیرت پادشاهان، در اخلاق درویشان، در فضیلت قناعت، در فواید خاموشی، در عشق و جوانی، در ضعف و پیری، در تأثیر تربیت، در آداب محبت؛ گلستان را باید فرآورده‌ی آزمونها و نمودار مطالعه‌ی سعدی در افکار و احوال و اخلاق و آداب مردمی شمرد که در سفرهای خود آنها را دیده است. کتاب گلستان آن قدر اثر ارزنده ای است که اگر

سعدی فقط این کتاب را تألیف می‌کرد برای نشان دادن قدرت سخنوری و مهارت وی در گویندگی و نویسندگی کافی و بسنده بوده است.

از جمله امتیازات این کتاب، وجود حکایات طنز آمیز متعدد سعدی در آن است که در نوع خود بی نظیر می‌باشد.

۲-۳- تعریف طنز

«طنز در لغت به معنی فسوس کردن، طعنه و سخریه است، خاقانی می‌گوید:

زبون‌تر از مه سی روزهام مهی سی روز مرا به طنز چو خورشید خواند آن جوزا»

(دهخدا، ۱۳۷۲: ۱۳۷۰۱)

اما طنز در اصطلاح «به آن دسته از آثار ادبی اطلاق می‌شود که با دست مایه‌ی تهکم و طعنه و استهزاء به نشان دادن عیب‌ها، زشتی‌ها، نادرستی‌ها و مفساد فرد و جامعه می‌پردازد. این کلمه برابر نهاده‌ی واژه Satire است که در اصل از Satira و Satura در زبان لاتینی اقتباس شده است و آن ظرفی پر از میوه‌های متبوع بوده است که به یکی از خدایان فلاحت وز زراعت هدیه می‌کرده‌اند. بر خلاف کمدی که در آن خنده غایت هدف می‌باشد، در طنز، خنده وسیله‌ای برای بیان معایب و آگاه کردن اذهان نسبت به عمق رذالت‌ها و خباثت است.» (داد، ۱۳۸۷: ۳۴۰)

در ادبیات غرب دو نوع طنز مشهود است که عبارتند از «طنز هوراسی و طنز جوونالی طنز هوراسی منسوب به هوراس است. او با زبانی نرم و ملایم، گاهی شاد و گاه جدی، ابله‌ی و بد سلیقگی زمانه را به ریشخند می‌گیرد. طنز جوونالی منسوب به جوونال، یکی از بزرگترین طنزنویسان رومی است. او با زبان موقر و گاه تند و بی پروا و خشمگینانه، انحطاط اخلاقی و فساد جامعه روم، ضعف‌های اشراف رومی، حرص و امساک و خطابه‌ها را به استهزاء می‌گیرد» (رضایی، ۱۳۸۲: ۲۹۸).

۲-۴- هدف طنز

در حقیقت، طنز، اعتراضی است بر نارسایی‌ها و نابسامانی‌ها و بی‌رسمی‌هایی که در یک جامعه وجود دارد و گویی که جامعه و مسئولان امر نمی‌خواهند که این اعتراض‌ها را مستقیم و بی‌پرده بشنوند، هدف طنز به گونه‌ی کلی، تنبیه و متوجه نمودن افراد یک جامعه به عیب‌ها و مفساد خود، تحقیر و کوبیدن رذایل اخلاقی، رشد فضایل اخلاقی و در یک کلام تزکیه و تهذیب و اصلاح و به تکامل رساندن جامعه است.

۲-۵- انواع طنز

طنز از جنبه‌های مختلف تقسیمات گوناگونی را می‌پذیرد، مانند فردی، فلسفی، عرفانی، اجتماعی، سیاسی، تفسیری، تمثیلی و ... اما آنچه بیشتر از همه حایز اهمیت است طنز اجتماعی است. تا آنجا که بعضاً طنز را منحصر به طنز اجتماعی دانسته‌اند و طنزی را طنز واقعی می‌دانند که بازگو کننده‌ی آلام و دردهای اجتماعی باشد.

۲-۶- شیوه‌های ایجاد طنز

برای خلق یک طنز می‌توان از شیوه‌های مختلفی استفاده کرد که زیر بنا و شالوده آنها در به هم زدن عبارت‌هایی است، اکنون به ذکر چهار روش پرکاربرد ساخت طنز می‌پردازیم.

الف- بزرگنمایی و اغراق

یکی از راه‌های ساختن طنز، بزرگ‌نمایی و اغراق در توصیف چهره و حالات و خصائص انسان است؛ که به آن طنز گفتاری نیز گفته می‌شود. به عنوان مثال خلاصه‌ای از داستان طنز آمیز «عینک من» که در آن نویسنده، معلم خود را چنین وصف می‌کند: «معلم عربی مرد شوخ و نکته‌گویی بود که نزدیک به یک قرن و نیم از عمرش می‌گذشت. همه همسالان من که در

شیراز تحصیل کرده اند او را می‌شناسند» (پرویزی، ۱۳۵۷: ۱۱۸) که در این جا با استفاده از کلمه «قرن» سعی در اغراق و بزرگ‌نمایی در بیان سن معلم نموده است.

ب- جا به جا کردن حوادث و تاریخ

گاهی به دلیل اشتباهاتی که در کاری صورت می‌گیرد، صحنه‌های و حوادث خنده داری به وجود می‌آید که به آن «طنز رفتاری» می‌گویند.

طنز رفتاری دارای ویژگی‌های زیر است:

«۱- در جهت اضرار به خود، ۲- در جهت اضرار به دیگری یا دیگران، ۳- در جهت نفع غیر قابل پیش بینی به خود، ۴- حرکت خارج از مسیر عادی و طبیعی، ۵- کنش یا واکنش در غیر محل خودش و...» (برهانی، ۱۳۷۲: ۳۶). مانند داستان سگ و کور در مثنوی:

«یک سگی در کوی بر کور گدا حمله می‌آورد چون شیر و غا
سگ کند آهنگ درویشان بخشم در کشد مه خاک درویشان بچشم
کور عاجز شد ز بانگ و بیم سگ اندر آمد کور در تعظیم سگ
کای امیر صید و ای شیر شکار دست دست تست دست از من بدار
گور می‌گیرند یارانت به دشت کور می‌گیری تو در کوی براین براست»

(نیکلسن، ۱۳۷۵: ۳۱۱)

پ- نقیضه پردازی

نوعی دیگر از روش‌های ساختن طنز نقیضه پردازی تقلید از آثار ادبی است که در آن نویسنده با تقلید از شیوه نویسندگان قدیم، یکی از موضوعات اجتماعی عصر ما را نقد و داوری می‌کند.

مانند طنزهای گل آقا با عنوان اسفندیار در چشم پزشکی:

«پس اسفندیار آهی سرد از دل پر درد بر کشید و گفت: همشیره تا شش ماه دیگه، چشم جهان بین من، نابینا نخواهد شد؟
«سکرت» گفت: آن دیگر مسئله‌ی خودتان است! وقت آقای دکتر تا شش ماه دیگر پر شده و بعداً هم می‌رود خارج!
«اسفندیار» گفت: ما از شهرستان زنگ می‌زنیم. این «رستم زال» با تیر دو شعبه زده به چشممان! پس ما چه کنیم؟!
«سکرت» گفت: می‌خواستی دعوا نکنی... یک سال دیگر تلفن کن. (مؤلفان، ۱۳۹۳: ۱۱۸).

ت- بهره‌گیری از فرهنگ عامه:

یکی دیگر از راه‌های طنز پردازی بهره‌گیری از فرهنگ غنی عامل شامل ضرب‌المثل‌ها، کنایات و واژگان عامیانه است که بر قدرت طنز می‌افزاید؛ مانند طنز دهخدا که می‌نویسد: «از جا‌پن گرفته تا پتل پُرت همه مملکت‌ها وکیل دارند» (دبیرسیاکی، ۱۳۶۴: ۵۶) که منظور از پتل پرت همان سن پطرز بورگ است.

۳- یافته‌های تحقیق

۳-۱- ویژگی‌های طنز سعدی

طنزهای سعدی، عمیق و تأویل پذیر هستند. خواننده باید به طور توأمان در جستجوی انبساط خاطر و معنا در اثر باشد. در طنزهای سعدی، شکل و شمایل حکایت‌ها که با تیپ‌سازی‌های ثابت همراه بود تغییر بسیار کرده است و شخصیت پردازی‌های دقیق و در ابعادی کوتاه و گویا در آن وجود دارد.

طنز سعدی، طنز فاخری است چون حتی در حین بیان حکایت و سخنان طنز آمیزش جانب شرم و حیا و اخلاق را تا آن جا که برایش مقدور است، نگاه می‌دارد.

۳-۲- تأملی بر یک حکایت طنز آمیز از باب اول گلستان سعدی

در حکایت شانزدهم از باب اول گلستان، در سیرت پادشاهان سعدی به ذکر حکایتی طنز آمیز پرداخته است که به شرح زیر است:

«... حکایت آن روباه مناسب حال تست که دیدندش گریزان و بی خویشتن افتان و خیزان کسی گفتش چه آفت است که موجب مخافت است گفتا شنیده‌ام که شتر را به سخره می‌گیرند. گفت: ای سفیه شتر را با تو چه مناسبت است و ترا به دو چه مشابهت گفت خاموش که اگر حسودان به غرض گویند شترست و گرفتار آیم کرا، غم تخلیص من دارد تا تفتیش حال من کند و تا تریاق از عراق آورده شود مارگزیده مرده بود...» (فروغی، ۱۳۶۳: ۵۲).

مأخذ این حکایت در اصل حکایت زیر است که از کتاب زهر الاداب گرفته شده است:

«و هذا اکما حکى عن الحسين بن عبد السلام المصرى، المعروف بالجمل، انه مر ببعض اخوانه، بعقبه النجارين - و هو يعد و با کثر مما يقدر عليه فقال له: قف على، فخاف ان تكون نزلت به نازله، فاتاه الى الدار فخرج مستخفيا، فقال: مالک يا ابا عبد الله؟ قال: ما علمت ان السخره وقعت فى الجمال؟ فما يومنى ان يقال هذا الجمل، فأوخذ فلا اتخلص الا بشفاعه.»

این هم داستانی است شبیه آن چه گفته شد. درباره حسین بن عبدالسلام نصری معروف به جمل (شتر) وی را یکی از دوستانش در عقبه‌ی نجاران دید (ظاهراً نام محله‌ای بوده است) که با عجله می‌دویده به او گفتند: این همه عجله برای چیست؟ ولی او نگران و مضطرب همچنان می‌رفت تا به خانه رسید و بعد مخفیانه از خانه خارج شد. وقتی ماجرا از وی پرسیدند، گفت: مگر نمی‌دانید شتر را به بیگاری گرفته‌اند؟ بعید نبود مرا هم به عنوان شتر بگیرند آن وقت (برای اثبات شتر نبودم) به شفاعت دیگران محتاج می‌شدم» (داودی، ۱۳۹۰: ۴۸۲).

هدف سعدی از انتخاب این حکایت طنز آمیز که به حق، یکی از کوبنده‌ترین و محکم‌ترین انتقادهای اجتماعی علیه حاکمان ظالم آن زمان است این است که به مدد کلام سحرآمیز خود و با چاشنی خنده‌ای ظاهری همانند آینه‌ای بی غل و غش به بازتاب و انعکاس یک معضل بزرگ اجتماعی زمان خود، بی‌کفایتی و بی‌تشخیصی حکام و کارگزاران می‌پردازد و از داستانی که از پیشینیان روایت شده است و در دوره‌ی او نیز رایج بوده به بهترین شکل ممکن و موجود برای بیان مقصود خود بهره می‌برد و ظلم حاکم، نادانی و جهل و بی‌تمیزی آنها را در مسایل و موارد مملکتی و در رفتار با مردم نشان می‌دهد. البته این داستان به قدری با اهمیت و اثرگذار است که شعرای ما قبل و هم عصر سعدی نیز آن را به نظم کشیده‌اند از شعرای ما قبل او «انوری» داستان را با اندکی تغییر اینچنین بیان می‌کند.

«روبهی می‌دوید از غم جان روبه‌ی دیگرش بدید چنان
گفت خیرست بازگوی خبر گفت خرگیر می‌کند سلطان
گفت تو خر نی چه می‌ترسی گفت آری ولیک آدمیان
می‌ندانند و فرق می‌نکنند خر و روباهشان بود یکسان
زان همی ترسم ای برادر من که چو خر برنهندمان پالان»

(نفیسی، ۱۳۶۴: ۷۵).

مضمون و محتوای حکایت انوری نیز همان محتوای حکایت سعدی است فقط در شیوه بیان و نقل و روایت و کاراکترها داستان اندکی تغییر وجود دارد.

مولوی نیز از شعرای هم عصر سعدی این حکایت را اینچنین به رشته نظم کشیده است:

آن یکی در خانه‌ای در می‌گریخت زرد رو و لب کبود و رنگ ریخت
صاحب خانه بگفتش خیر هست که همی لرزد تو را چون پیر دست
واقعه چون است چون بگریختی؟ رنگ رخساره چنین چون ریختی؟
گفت بهر سخره‌ی شاه خرون خر همی‌گیرند امروز از برون
گفت می‌گیرند گو خر جان عم چون نه‌ای خر رو، تو را زین چیست غم؟

گفت بس جدند و گرم اندر گرفت گر خرم گیرند هم نبود شگفت!!!
بهر خرگیری بر آوردند دست جدجد، تمییز هم برخاسته است
چون که این بی تمییزیان مان سرورند صاحب خر را به جای خر برند»

(نیکلسن، ۱۳۷۲: ۹۵۲)

در حکایت مولوی نیز هدف اصلی که همان ظلم حاکمان و بی تمییزی و بی شخصیتی مأموران است بیان شده است با اندکی تفاوت که در مکالمه کارکترها و شخصیت‌های داستان با هم وجود دارد. همان طوری که بیان شد حکایت مذکور از سه شاعر بیانگر وحدت موضوع و محتوا ما بین آنهاست و فقط اختلاف اندکی در نحوه بیان و مکالمه شخصیت‌های حکایات وجود دارد. اثبات اینکه در این حکایت سعدی از انوری و یا مولوی از سعدی اثر پذیرفته است و یا اینکه هر سه آنها مطلب را از کتاب زهرالاداب و افواه عام گرفته اند مد نظر نگارنده در این تحقیق نمی باشد بلکه آن چه که مد نظر است اهمیت و تأثیر زبان طنز برای بازتاب مشکلات جامعه و انتقاد از نارسایی‌هایی آن است. در حکایات طنز آمیز مذکور و وحدت مضمون وجود دارد اما در حکایت اصلی که منبع است حسین عبد السلام مصری (از شتر) به عنوان نماد مردم فقیر و زحمتکش و بی اراده استفاده کرده است و در حکایت انوری از «خر» به عنوان نماد مردم فقیر و بی ادعا بهره گرفته است و در حکایت سعدی از «شتر» به عنوان نماد مردم مظلوم و سطح پایین جامعه که اکثراً به بیگاری دیگران گرفته می‌شوند بهره گرفته شده است و در حکایت مولوی نیز «خر» به عنوان نماد مردم بی دفاع که آنان را به بیگاری و سخره گرفته اند بهره گرفته شده است

۴- بحث و نتیجه‌گیری

- ۱- زبان طنز در همه‌ی اعصار و دوره‌ها یکی از بهترین شیوه‌ها برای بیان و بازتاب مشکلات و معضلات اقتصادی _ دینی و سیاسی و به ویژه اجتماعی و انتقادهای سازنده از مسئولین بوده و می‌باشد و مختص به عصر و دوره‌ای خاص نیست.
- ۲- لحن طنز سعدی مؤدبانه تر و پخته تر است و آن چنان استادانه این انتقاد کوبنده را بیان کرده است که نه خوانندگان از کاراکترها و نمادهای به کار برده شده توسط او بیزار و مشمئز می‌شود و نه مخاطب و مخاطبان آن پیام تلخ و گزنده ای اجتماعی و او در حقیقت هدف واقعی طنز را که متنبه نمودن افراد یا جامعه به عیب‌ها و مفساد خود است به بهترین شکل بیان کرده است.
- ۳- هر چند تأسی و اثر پذیری شعرای صاحب حکایات مذکور در این تحقیق مد نظر نگارنده نمی‌باشد اما اشتراک مضمون و محتوای سه حکایت طنز آمیز از سه شاعر مشهور مذکور آن هم با اندکی تفاوت در نحوه بیان و مکالمه کارکترها بیانگر اثرپذیری آن‌ها از یکدیگر علاوه بر افواه عام می‌باشد و به احتمال زیاد انوری حکایت حسین عبدالسلام مصری و سعدی نیز حکایت انوری و مولوی نیز حکایت سعدی را شنیده و یا از دیدگان گذارنیده‌اند.

منابع

۱. برهانی، مهدی، ۱۳۷۲. «تلخند، انتشارات کندو»، چاپ اول، تهران.
۲. پرویزی، رسول، ۱۳۵۷، «شلوارهای وصله دار»، انتشارات جاویدان، چاپ اول، تهران.
۳. خطیب رهبر، خلیل، ۱۳۷۳. «شرح گلستان سعدی»، انتشارات صفی علیشاه، چاپ نهم، تهران.
۴. داد، سیما، ۱۳۸۷. «فرهنگ اصطلاحات ادبی»، انتشارات مروارید، تهران.
۵. دبیرسیاقی، محمد، ۱۳۶۴، «مقالات دهخدا»، انتشارات پژمان، چاپ اول. تهران.
۶. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۲. «لغت نامه»، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران.
۷. رضایی، عربعلی، ۱۳۸۲، فرهنگ واژگان توصیفی ادبیات، انتشارات فرهنگ معاصر، چاپ اول، تهران.

۸. فروزانفر، بدیع الزمان، ۱۳۹۰. «احادیث و قصص مثنوی»، ترجمه‌ی حسین داودی، انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم، تهران.
۹. فروغی، محمد علی، ۱۳۶۳. «کلیات سعدی»، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، تهران.
۱۰. مؤلفان، ۱۳۹۳. «زبان فارسی ۳»، شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی، چاپ چهاردهم، تهران.
۱۱. نفیسی، سعید، ۱۳۶۴. «دیوان انوری»، انتشارات سکه، چاپ سوم، تهران.
۱۲. نیکلسن، رینولد، ۱۳۷۹. «مثنوی معنوی»، انتشارات قطره، چاپ سوم، تهران.

A Reflection on a Satirical Narrative from Sadi's Golestan

Naser Farnia

Assistant Professor and Faculty Member of Persian Language and Literature Department of Farhangian University, Shahid Rajaee Campus, Urmia, Iran

Abstract

Comic in the word means teasers, and in the term of a kind of social punishment, the purpose of which is reformation and cultivation, not humiliation and human aggression, accepts humor from various aspects of various divisions, including: individual, social, philosophical, political satire And ... The satire in the sixth, seventh and eighth centuries of the heyday in the history of Iranian literature became widespread, including the famous saints of the seventh century, Sheikh Abu Abdullah Moshrafeddin bin Mosleh Sa'di Shirazi, who, with his special style and distinguished singers, His works, including the 16th verse of Golestan's first book entitled "Getting camels to work and work", which Sa'di referred to The good of it has been used to express criticism of the rulers of the era. Sada's poems such as Anwari and Rumi have also mentioned this story with some changes in characters and conversations. But Saadi's tune of satiety is more cooked and polite. In their narrative, they used symbols such as camels to show offspring that were taken by most rulers and saviors for personal gain. In any case, the language of humor in all ages and periods is one of the best practices in expressing and reflecting economic, religious, political, and especially societal problems, as well as constructive criticisms from authorities, and is not specific to the era and periodicals.

Keywords: humor, Saadi, tales, Golestan.
